

کتابِ دانی ایل — شمارهٔ دهم

عملیہ

Jeff Pippenger

2023-12-05

در فصل اول دانیال، دانیال بہ اسارت ہفتادسالہ ای کہ ارمیا دربارہ اش نبوت کردہ بود بردہ شد، و تا سال اول کورش باقی ماند۔

و دانیال تا سال اول کورش پادشاہ برقرار ماند۔ دانیال ۱:۲۱۔

پس دانیال سراسر تاریخ ہفتاد سال اسارت را تا زمان صدور فرمانی کہ بہ اسرائیل باستان اجازہ داد تا اورشلیم را بازسازی و اعادہ کند، از سر گذراند۔

اکنون در سال اول کورش، پادشاہ فارس، تا کلام خداوند کہ بہ زبانِ ارمیا گفتہ شدہ بود بہ انجام رسد، خداوند روح کورش، پادشاہ فارس، را برانگیخت تا در سراسر تمامی مملکتِ خود ندا درداد و نیز آن را بہ نگارش درآورد، بدین سان: عزرا ۱:۱۔

لہذا دانی ایل ایک لاکھ چوالیس ہزار کی اُس آزمائشی عمل کی علامت ہے جو 11 ستمبر 2001 کو شروع ہوا اور اُس وقت تک جاری رہتا ہے جب تک ”فرمان“ صادر نہ ہو، جو بابل سے نکل آنے کی پکار کی علامت ہے۔

اور میں نے آسمان سے ایک اور آواز سنی، جو کہہ رہی تھی، اے میرے لوگو، اس میں سے نکل آؤ، تاکہ تم اس کے گناہوں میں شریک نہ ہو جاؤ، اور تاکہ تم اس کی آفتوں میں سے نہ پاؤ۔ کیونکہ اس کے گناہ آسمان تک پہنچ گئے ہیں، اور خدا نے اس کی بدکرداریوں کو یاد کیا ہے۔ مکاشفہ 5، 18:4۔

اسارت کے ستر سال ایک لاکھ چوالیس ہزار کی آزمائش اور تطہیر کا زمانہ ہیں۔ 11 ستمبر 2001 کو اسلام کا تیسرا افسوس وارد ہوا۔ اس حقیقت کو صرف وہی پہچانتے ہیں جو ایڈونٹ ازم کی بنیادی سچائیوں کو قبول کرتے ہیں۔ پہلا افسوس اور دوسرا افسوس، دونوں کی درست شناخت علمبردارانِ اولین نے اسلام کے طور پر کی تھی۔ 1843 اور 1850، دونوں علمبردارانِ اولین کے چارٹس میں، جن کی ایلن وانٹ نے توثیق کی، اور جو حقوقِ باب دو کی تکمیل کے طور پر متعین کیے گئے ہیں، اسلام کو پانچویں اور چھٹی نرسنگیوں کے طور پر شناخت کیا گیا ہے۔ آخری تین نرسنگیاں افسوس کی نرسنگیاں ہیں۔

اور میں نے دیکھا اور سنا کہ ایک فرشتہ آسمان کے بیچوں بیچ اڑتا ہوا بلند آواز سے کہہ رہا تھا: افسوس، افسوس، افسوس ان پر جو زمین پر بسنے والے ہیں، ان نرسنگوں کی باقی آوازوں کے سبب سے جو ان تین فرشتوں کی ہیں جنہیں ابھی پہونکنا باقی ہے! مکاشفہ 8:13۔

اگر سہ شیپورِ وای وجود دارد، و شیپورِ وای نخست و دوم اسلام ہستند، بہ سادگی می توان تشخیص داد کہ شیپورِ وای سوم نیز اسلام است۔ یکی از عناصرِ نمادِ اسلام بہ عنوان شیپورِ وای، مہار شدن آنان است، و سپس ہنگامی کہ رہا می شوند۔ خواہرِ وایت چہار بادِ مکاشفہ باب ہفت را «اسبی خشمگین» معرفی می کند کہ می کوشد «از بند بگسلد» و در پی خود «مرگ و ویرانی» بہ بار آورد۔

«فرشتگان چہار باد را نگاہ داشتہ اند، کہ بہ صورتِ اسبی خشمگین تصویر شدہ اند کہ می کوشد از بند رہا شود و بر سراسر روی زمین یورش برد، و در مسیر خود ویرانی و مرگ بہ بار آورد۔»

«آیا ما بر لبِ آستانهٔ جهان ابدی به خواب خواهیم رفت؟ آیا کُند و سرد و مرده خواهیم بود؟ آہ، کاش در کلیساهای ما روح و نفس خدا در قوم او دمیده شود، تا ایشان بر پاهای خود بایستند و زنده شوند. ما نیاز داریم دریابیم کہ راه تنگ است و دروازه باریک. اما چون از آن دروازهٔ تنگ می‌گذریم، فراخی آن بی‌حد و حصر است.» Manuscript Releases، جلد 20، 217.

چهار فرشته‌ای کہ چهار باد را مہار می‌کنند، «اسب خشمگین» نبوتِ کتاب مقدس را کہ مرگ و ویرانی پدید می‌آورد، مہار می‌کنند. در فصل نهم مکاشفہ، جایی کہ شیپور وای اول و دوم مشخص شدہ‌اند، پادشاهی معرفی می‌شود. او در مکاشفہ «نہ-یازدہ» معرفی شدہ است.

و ایشان را پادشاهی بر خود بود، کہ فرشتۂ ہاویہ است؛ کہ نامش در زبان عبرانی «ابدون» است، و در زبان یونانی نامش «اپلیون». چون کہ بر ایشان بود. مکاشفہ ۹:۱۱.

نام، و از این‌رو، خصلتِ پادشاہ اسلام، در عبری «ابدون» و در یونانی «آپولیون» است. در ہر دو عہد، عہد عتیق و عہد جدید، کہ بہ ترتیب با عبری و یونانی نمایانہ شدہ‌اند، خصلتِ اسلام در تعریفِ این دو نام یافت می‌شود. در ہر دو واژہ، تعریف «مرگ و ہلاکت» است. خواہر وایت می‌گوید «اسب خشمگین» کہ آن چہار فرشتہ در حالی مہار می‌کنند کہ یکصد و چہل و چہار ہزار نفر در حال مہر شدن ہستند، می‌کوشد رها شود و در مسیر خود «مرگ و ہلاکت» بہ بار آورد.

در کتاب مقدس، نخستین اشارہ بہ اسلام، اسماعیل است؛ پدر آنان کہ دین اسلام را نگاہ می‌دارند. در همان نخستین اشارہ، او مردی وحشی معرفی شدہ است، و واژہ‌ای کہ بہ «وحشی» ترجمہ شدہ، بہ معنای «الاغ وحشی عربی» است. نخستین اشارۂ نبوی بہ اسلام، نمادی از خانوادۂ اسب‌سانان است، و اسب همان‌گونہ‌ای است کہ پیشگامان، اسلام وای اول و دوم را بر دو نمودار مقدس بہ تصویر کشیدند. چہار بادِ مکاشفہ فصل ہفتم، تا زمانی کہ خدا قوم خود را مہر کند، در مہار نگاہ داشتہ می‌شوند، یا «بازداشتہ» می‌گردند. فرایند مہر کردن صد و چہل و چہار ہزار تن، ہمچنین فرایند آزمون و فرایند تطہیر نیز ہست.

تمام این تمثیل‌های نبوی در اسارت ہفتادسالۂ دانیال بازنمایی شدہ‌اند؛ اسارتی کہ از یہویاقیم، یعنی نماد توانمندسازی پیام نخست، آغاز می‌شود و تا «فرمان»ی کہ مردان و زنان را از بابل فرا می‌خواند، ادامہ می‌یابد. بازداشتن اسلام و سپس رها شدن آن، از ویژگی‌های نبوی اسلام بہ عنوان نمادی در نبوتِ کتاب مقدسی است.

وقتی از آنان بہ عنوان «چہار باد» یاد می‌شود، تا ہنگامی کہ بندگان خدا مہر شوند، در بازداشت نگاہ داشتہ می‌شوند. در آغاز وای دوم، در نبوتِ زمانی سیصد و نود و یک سال و پانزدہ روز کہ در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ تحقق یافت، چہار فرشتہ کہ نمایانہ اسلام وای دوم بودند، «رها شدند». در پایان نبوت، آنان «مہار شدند».

بہ فرشتۂ ششم کہ شیپور را داشت گفت: «آن چہار فرشتہ را کہ نزد نہر عظیم فرات بستہ‌اند، رها کن.» و آن چہار فرشتہ کہ برای ساعتی، و روزی، و ماہی، و سالی مہیا شدہ بودند تا ثلث مردمان را بکشند، رها شدند. مکاشفہ ۹:۱۴، ۱۵

۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، نخستین پیام در تاریخ صد و چہل و چہار ہزار، قدرت یافت، ہنگامی کہ اسلام وای سوم «رها» شد. اما بی‌درنگ «بازداشتہ» گردید. خواہر وایت توضیح می‌دہد کہ چرا این امر رخ داد، اما نخست باید بہ یاد آوریم کہ مقصودِ اسلام در نخستین اشارہ کتاب مقدسی آن، بہ خشم آوردن امت‌ها بود؛ زیرا دستِ اسماعیل بر ضدِ ہر انسان می‌بود، و دستِ ہر انسان بر ضدِ اسلام.

اور خداوند کے فرشتہ نے اُس سے کہا، دیکھ، تُو حاملہ ہے اور ایک بیٹے کو جنم دے گی، اور اُس کا نام اسمعیل رکھنا؛ کیونکہ خداوند نے تیری مصیبت سنی ہے۔ اور وہ جنگلی آدمی ہوگا؛ اُس کا ہاتھ ہر

ایک کے خلاف ہوگا، اور ہر ایک کا ہاتھ اُس کے خلاف؛ اور وہ اپنے سب بھائیوں کے سامنے بسے گا۔
پیدائش 16:11، 12۔

یہ کتاب مقدس کپ د اسلام موخہ دا دہ چپ تَول ملتونہ د اسلام پر ضد متحد کَری، تر هغې مخکې چپ مل کَری ملتونہ خپل قهر د سبت ساتونکو باندې واریوي. د ۲۰۰۱ کال د سپت مبر په ۱۱مه، هر څوک چې ۹/۱۱ د میلریتی پېښو د تسلسل د تکرار د پیل نښه بولي، د «دانیال» په څېر شوی دی، کله چې هغه د اویا کلونو لپاره بابل ته بوتلل شو. یهو یاقیم د هماغې از مېښت ی پروسې د پیل پېژندنه کوي، او د درېیمې «مصیبت» اسلام بیا خوشې شو، خو سمدستي مهار وساتل شو، ترڅو خدای وکولای شي خپل خلک مهر کړي.

«این رؤیا در سال ۱۸۴۷ داده شد، در زمانی که تنها شمار اندکی از برادران ادونتیست، سبت را نگاه می‌داشتند، و از میان ایشان نیز تنها معدودی بر این باور بودند که رعایت آن از چنان اهمیتی برخوردار است که میان قوم خدا و بی‌ایمانان خط تمایز بکشد. اکنون تحقق آن رؤیا در حال آشکار شدن است. «آغاز آن زمان تنگی» که در اینجا ذکر شده است، به زمانی اشاره ندارد که بلاها شروع به فرو ریخته شدن کنند، بلکه به دوره‌ای کوتاه درست پیش از فرو ریخته شدن آنها اشاره دارد، در حالی که مسیح در قدس است. در آن زمان، هنگامی که کار نجات به پایان خود نزدیک می‌شود، تنگی بر زمین عارض خواهد شد، و امت‌ها خشمگین خواهند شد، با این حال مهار خواهند شد تا مانع کار فرشته سوم نگردند. در آن زمان «باران آخر»، یا تازگی بخشی از حضور خداوند، خواهد آمد تا به آواز بلند فرشته سوم قدرت ببخشد و مقدسان را آماده سازد تا در دوره‌ای که هفت بلای آخر فرو ریخته خواهند شد، استوار بایستند.» Early Writings, 85.

هفتاد سال دانیال در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد، هنگامی که اسلام رها شد و با ضربه‌ای ناگهانی و غیرمنتظره به وحش زمین مکاشفه باب سیزده، امت‌ها را به خشم آورد. سپس اسلام مهار شد تا کار فرشته سوم به انجام برسد. کار فرشته سوم، مهر نهادن بر قوم خداست، و هنگامی که آن کار در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد، باران آخر شروع به «پاشیدن» کرد. باب اول دانیال فرایند آزمون یکصد و چهل و چهار هزار نفر را به تصویر می‌کشد، که از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز می‌شود و تا زمانی ادامه می‌یابد که دومین «صدا» در مکاشفه باب هجده، دیگر گوسفندان خدا را از بابل فرا بخواند. از این رو دانیال نمایانگر قومی است که اکنون در اسارت روحانی به سر می‌برند، تا درست به پایان فرایند آزمون. پایان دوره آزمون در باب اول دانیال با عنوان «آخر ایام» مشخص شده است.

اکنون در پایان ایامی که پادشاه مقرر کرده بود ایشان را حاضر کنند، رئیس خواجه‌سرایان آنان را به حضور نبوکدنصر آورد. و پادشاه با ایشان سخن گفت؛ و در میان همه آنان، هیچ‌کس مانند دانیال، حنیا، میشائیل و عزریا یافت نشد؛ از این رو در حضور پادشاه ایستادند. و در هر امر حکمت و فهم که پادشاه از ایشان پرس‌وجو می‌کرد، آنان را ده برابر برتر از همه مجوسیان و منجمان موجود در سراسر مملکت خویش یافت. دانیال ۱:۱۸-۲۰.

سومین آزمون، که برای دانیال و آن سه مرد شایسته، آزمونی نبوی و تعیین‌کننده به‌شمار می‌رفت، هنگامی بود که به داوری نبوکدنصر سپرده شدند و معلوم گشت که «ده بار از جمیع مجوسیان و منجمانی که در تمامی مملکت او بودند بهترند.» آزمون سوم با داوری نمودار شده است، و این داوری در «پایان روزها» واقع شد. در کتاب دانیال، «پایان روزها» همان جایی است که دانیال در قرعه خویش می‌ایستد.

«بسیاری تطهیر خواهند شد، و سفید گردانیده خواهند شد، و آزموده خواهند شد؛ اما شیران به شرارت عمل خواهند کرد؛ و هیچ‌یک از شیران نخواهند فهمید؛ لیکن حکیمان خواهند فهمید.... خوشا به حال آن که انتظار کشد و به هزار و سیصد و پنچ روز برسد. اما تو (دانیال) راه خود را تا پایان ادامه بده؛ زیرا آرام خواهی گرفت، و در پایان ایام در نصیب خود خواهی ایستاد.»

«زمان آن فرا رسیده است که دانیال در سهم خود بایستد. زمان آن فرا رسیده است که نوری که به او داده شد، بیش از هر زمان دیگری به جهان برسد. اگر آنان که خداوند برای ایشان چنین بسیار کرده است، در نور سلوک کنند، معرفت ایشان به مسیح و به نبوت‌هایی که به او مربوط است، هرچه به پایان تاریخ این زمین نزدیک‌تر شوند، به طرز چشمگیری افزون خواهد شد.» تفاسیر کتاب مقدس ادونتیست‌های روز هفتم، جلد ۴، ص. ۱۱۷۴.

خواهر وایت «پایان ایام» را در ارتباط با فرایند تطهیر مذکور در آیه ده از فصل دوازدهم دانیال مشخص می‌سازد. او غالباً آیه ده را همراه با عبارت آیه سیزدهم، «پایان ایام»، به کار می‌برد.

«بسیاری تطهیر خواهند شد، و سفید خواهند گردید، و آزموده خواهند شد؛ اما شریران شرارت خواهند ورزید؛ و هیچ‌یک از شریران نخواهند فهمید؛ لیکن حکیمان خواهند فهمید... خوشا به حال آن‌که انتظار کشد و به هزار و سیصد و سی و پنج روز برسد. اما تو ای دانیال، تا پایان، راه خود را برو؛ زیرا آرام خواهی گرفت، و در پایان ایام در قسمت خود خواهی ایستاد.»

«دانیال امروز در جایگاه مقرر خویش ایستاده است، و ما باید به او مجال دهیم تا با مردم سخن بگوید. پیام ما باید همچون چراغی فروزان به پیش رود. «و در آن زمان، میکائیل، آن رئیس عظیمی که برای پسران قوم تو ایستاده است، برخواید خاست؛ و چنان زمان تنگی‌ای خواهد بود که از هنگامی که امتی به وجود آمده است تا آن زمان، هرگز نبوده است؛ و در آن زمان، قوم تو، یعنی هر که در کتاب مکتوب یافت شود، رهایی خواهد یافت. و بسیاری از آنان که در خاک زمین خفته‌اند، بیدار خواهند شد، بعضی برای حیات جاودانی، و بعضی برای رسوایی و حقارت جاودانی. و آنان که حکیم‌اند، مانند درخشندگی افلاک خواهند درخشید؛ و آنان که بسیاری را به عدالت هدایت کنند، مانند ستارگان تا ابدالآباد.»

این سخنان کاری را که ما باید در این ایام آخر انجام دهیم، پیش روی ما می‌نهد. ما حتی نیمه‌بیدار هم نیستیم. آن قدرتی را که برای انجام کاری که باید به انجام رسد، ضروری است، در اختیار نداریم. ما باید به حیات درآییم، به اتحاد داخل شویم. اکنون، همین اکنون، باید در آن جایگاهی بایستیم که توبه و آمرزش، ویژگی‌های برجسته کار ما باشد. نباید هیچ نزاعی در میان باشد. دیگر برای درگیر شدن با شیطان در کار او برای کور ساختن چشم‌ها، بسیار دیر شده است. دیگر برای التفات کردن به ارواح گمراه‌کننده و تعالیم دیوها، بسیار دیر شده است.

«به من دستور داده شده است که بگویم هنگامی که روح‌القدس زبان و بیان عطا می‌کند، ما شاهد عملی خواهیم بود همانند آنچه در روز پنتیکاست انجام شد. نمایندگان مسیح با بصیرت عمل خواهند کرد. دیگر نه اینجا مردی و نه آنجا مردی یافت خواهد شد که بکوشد خراب کند و ویران سازد.»

«پیش از آنکه فرمان صادر شود، پیش از آنکه آن روز چون کاه بگذرد، پیش از آنکه خشم سوزان خداوند بر شما فرود آید، پیش از آنکه روز خشم خداوند بر شما فرا رسد، خداوند را بطلبید، ای تمامی حلیمان زمین، که احکام او را به‌جا آورده‌اید؛ عدالت را بطلبید، حلم را بطلبید؛ شاید در روز خشم خداوند پنهان داشته شوید.» 11 Australian Union Conference Record، مارس 1907.

مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار نفر، که به واسطه هفتاد سال اسارت دانیال در بابل به تصویر کشیده شده است، در دانیال باب دوازدهم، آیه ده نیز بازنمایی شده است. این آیه نشان «حقیقت» را در خود دارد، زیرا آن سه گام را مشخص می‌سازد که از ویژگی‌های واژه عبری «حقیقت» هستند. بسیاری طاهر خواهند شد، سفید گردانیده خواهند شد، و سپس آزموده خواهند شد. دانیال و آن سه بزرگوار در باب اول، به سبب ترس خدا، طاهر گردیدند، زیرا عزم کردند که از خوراک بابلی نخورند. سپس سیمایی را ظاهر ساختند که از سیمای کسانی که خوراک بابلی می‌خوردند نیکوتر و فربه‌تر

شده بود. سیمای ایشان همان عدالتِ مسیح بود که جامه‌های سفید است. آنگاه، در پایان ایام، هنگامی که به داوری نبوکدنصر داخل شدند، آزموده شدند.

در «آخر روزها»، هنگامی که دانیال «در نصیب خود» خواهد ایستاد، «معرفتِ مسیح و نبوت‌های مربوط به او برای قوم خدا بسیار افزون خواهد شد». نبوکدنصر ملاحظه کرد که در «همه امور حکمت و فهم»، دانیال و آن سه مرد ممتاز «یافت شدند» که «ده برابر از همه مجوسیان و منجمان سراسر مملکت او برترند».

باب اول دانیال تجربه یکصد و چهل و چهار هزار تن را به تصویر می‌کشد، که از فرایند آزمونی سه مرحله‌ای عبور می‌کنند. خواهر وایت در توضیح آن فرایند می‌گوید: «این سخنان، کاری را که ما باید در این ایام آخر انجام دهیم، پیش روی ما می‌نهد. ما حتی نیمه‌بیدار هم نیستیم. ما آن قدرتی را که برای انجام کاری که باید انجام شود ضروری است، نداریم. ما باید به حیات درآییم، به اتحاد درآییم. اکنون، همین اکنون، باید در آن موضع بایستیم که توبه و آمرزش، ویژگی‌های برجسته کار ما باشد. نباید هیچ‌گونه نزاعی وجود داشته باشد».

آزمون و امتحانی که به «آخر ایام» می‌انجامد، به رستاخیز دو شاهد در مکاشفه باب یازدهم منتهی می‌شود. کاری که اکنون باید انجام دهیم این است که پیام ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را بپذیریم و بیدار شویم، چنان‌که استخوان‌های خشک مرده نمایانگر آن هستند. «باید زنده شویم، به اتحاد درآییم». هنگامی که چنین کنیم، ویژگی‌های برجسته کار ما «توبه و آمرزش» خواهد بود. ویژگی برجسته کار ما به وسیله دانیال در باب نهم نمایانده شده است، آنگاه که دعای لاویان بیست‌وشش را به‌جا می‌آورد و برای آمرزش گناهان خود و گناهان پدرانش طلب بخشش می‌کند، و در همان حال اقرار می‌نماید که از زمان ناامیدی‌ای که آغاز زمان تأخیر را در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ رقم زد، پیوسته برخلاف خدا گام برداشته بود. او همچنین باید اقرار کند که خدا نیز در همان دوره برخلاف او رفتار کرده بود. دانیال نمایانگر کسانی است که از ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ به این‌سو، اسارت «هفتاد ساله» را از سر گذرانده‌اند.

هفتاد سال نمادی از «هفت زمان» در لاویان بیست‌وشش است. کتاب تواریخ به ما آگاهی می‌دهد که این هفتاد سال، دوره‌ای بود که زمین در آن سبت‌هایی را که به سبب سرکشی اسرائیل باستان بر ضد عهد لاویان بیست‌وپنج از آن محروم شده بود، «برخوردار» می‌گشت.

تا کلام خداوند به زبان ارمیا تحقق یابد، تا آن‌گاه که زمین از سبت‌های خود بهره‌مند شد؛ زیرا مادام که ویران افتاده بود، سبت را نگاه داشت، تا هفتاد سال کامل شود. ۲ تواریخ ۳۶:۲۱.

به‌عنوان نمادی از یک «بیابان» نبوی، «سه روز و نیم»ی که دو شاهد مکاشفه یازدهم پس از ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ مرده در کوچه افتاده بودند، نمادی از «هفتاد سال» و نیز نمادی از «هفت زمان» است. «در پایان روزها» نمادی از پایان روزهای نبوی‌ای است که در کتاب دانیال مهر و موم شده بودند.

در سال ۱۷۹۸، کتاب دانیال گشوده شد و دانیال در جایگاه خویش ایستاد، آماده تا مقصود خود را به انجام رساند.

«هنگامی که خدا به انسانی کاری ویژه می‌سپارد، او باید در سهم و جایگاه خویش بایستد، همان‌گونه که دانیال ایستاد؛ آماده تا به ندای خدا پاسخ گوید، آماده تا مقصود او را به انجام رساند.» Manuscript Releases, جلد 6, ص. 108.

در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، در تحقق دانیال باب هشت، آیه چهارده، کتاب دانیال بار دیگر در نوبت خود ایستاد. سال‌های ۱۷۹۸ و ۱۸۴۴ پایان نخستین و دومین غضب‌ها هستند، و از این‌رو پایان «هفت زمان» را نشان می‌دهند. «پایان ایام» در کتاب دانیال نمادی از فرجام اسارتی است که به وسیله «هفت زمان» به

تصویر کشیده شده است. در دانیال باب چهار، نبوکدنصر در حالی که «هفت زمان» بر او می‌گذشت، همچون حیوانی می‌زیست. در «پایان ایام»، سلطنت و عقل او به وی بازگردانده شد.

फरि मुझे समझ मेरी और, उठाई और की स्वर्ग आँखें अपनी ने, नबूकदनेस्सर, मैं में अन्त के दानों और है जीवति सर्वदा जो, की महमि और सत्तुत उसकी और, कहा धन्य को परमप्रधान मैंने तब; हुई प्राप्ति सब के पृथ्वी और है। रहता बना तक पीढ़ी से पीढ़ी राज्य जिसका और, है प्रभुत्व अनन्त प्रभुत्व जिसका के इच्छा अपनी बीच के रहनेवालों के पृथ्वी और में सेना की स्वर्ग वह और; जाते गनि नहीं भी कुछ रहनेवाले रहा कर क्या तू, "है सकता कह उससे न और, सकता नहीं रोक हाथ उसका कोई और; है करता कार्य अनुसार तेज मेरा और आदर मेरा लयि के महमि की राज्य मेरे और; हुई प्राप्ति फरि मुझे बुद्धि मेरी समय उसी?" है कयि स्थापति फरि में राज्य अपने मैं और; ढूँढ़ा मुझे ने प्रधानों मेरे और मन्त्रियों मेरे और; मलिा फरि मुझे

॥ 4:34-36 दानियेल गई। बढ़ाई महमि उत्कृष्ट भी और पर मझ और, गया

پایان زمان مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار تن، به منزلهٔ «پایان ایام» تصویر شده است؛ از این رو، نماد پایان «هفتاد سال» و نیز «هفت زمان» است. در آن هنگام، «توبه و آمرزش» ویژگی‌هایی خواهند بود که کار کسانی را نمایان می‌سازند که پیش‌تر در آن شارع گذشته از وادی استخوان‌های خشک مرده، مرده بودند.

ویژگی آشکار عمل توبه آن یکصد و چهل و چهار هزار نفر، در حقیقال باب نه، به صورت «آه کشیدن و فریاد برآوردن» نشان داده شده است. هنگامی که قوم خدا به گناهان شخصی خود اعتراف کنند و آن‌ها را ترک نمایند، هنگامی که اقرار کنند که همان گناهان پدران خویش را تکرار کرده‌اند، هنگامی که غرور رأی خود را کنار بگذارند و بپذیرند که بر خلاف خدا سلوک کرده‌اند، و نیز اینکه او نیز از زمان آغاز تاخیر، که در 18 ژوئیه 2020 فرا رسید، بر خلاف ایشان سلوک کرده است، آنگاه معلوم خواهد شد که آنان در ملکوت، نسبت به همه دیگر مردان حکیم مدعی، «ده برابر» قدرت نبوی بیشتری دارند.

عملِ مہرِ اسلام کے کھولے جانے، اور پھر اس کے روکے جانے، کے ساتھ شروع ہوا۔ یہ عملِ اسی طرح ختم ہوتا ہے جس طرح شروع ہوا تھا، جب اسلام ایک بار پھر چھوڑ دیا جاتا ہے۔ اسے وقتِ مہرِ بندی کے ایام کے آخر میں چھوڑا جاتا ہے، جو دانی ایل کے لیے خورس کے اس فرمان پر منتج ہوتا تھا جس نے لوگوں کو بابل سے باہر آنے کے لیے پکارا۔ وہیں، یعنی تطہیر کے ایام کے اختتام پر، ریاستہائے متحدہ میں اتوار کے قانون کے "فرمان" کے فیصلے کے وقت، وفادار اس حال میں پائے جائیں گے کہ وہ نبوتی قدرت میں "دس گنا زیادہ" رکھتے ہیں۔

«شما آمدن خداوند را بیش از حد دور می‌پندارید. دیدم که باران آخر همان‌گونه [ناگهان] چون فریاد نیمه‌شب، و با ده برابر قدرت، در حال آمدن بود.» Spalding and Magan, 5.

ما بررسی فصل دوم دانیال را در مقاله بعدی آغاز خواهیم کرد.

“این همان فریاد نیمه شب بود که می‌بایست به پیام فرشتهٔ دوم قدرت بخشد. فرشتگی از آسمان فرستاده شدند تا مقدسین دلسرد را بیدار سازند و ایشان را برای کار عظیمی که در پیش داشتند آماده کنند. با استعدادترین مردان نخستین کسانی نبودند که این پیام را دریافت کردند. فرشتگان نزد فروتنان و پارسایان مخلص فرستاده شدند و آنان را برانگیختند تا این ندا را بلند کنند: ‘اینک داماد می‌آید؛ به استقبال او بیرون آیید!’ آنان که این ندا به ایشان سپرده شده بود، شتاب کردند و در قدرت روح القدس پیام را اعلام نمودند و برادران دلسرد خود را بیدار ساختند. این کار بر حکمت و دانش انسان‌ها استوار نبود، بلکه بر قدرت خدا؛ و مقدسین او که آن ندا را شنیدند، نتوانستند در برابر آن مقاومت کنند. روحانی‌ترین اشخاص نخست این پیام را پذیرفتند، و آنان که پیشتر در این کار پیشگام بودند، از آخرین کسانی بودند که آن را پذیرفتند و به فزونی این ندا یاری رساندند: ‘اینک داماد می‌آید؛ به استقبال او بیرون آیید!’” Early Writings, 238

